

## فرهنگ تلمیحات در دیوان غزلیات امیری فیروزکوهی

عیسی ابراهیمی کیاسری و فاطمه علی نژاد رنجکش

گروه علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

### چکیده

پایان نامه حاضر که تحت عنوان فرهنگ تلمیحات در غزلیات امیری فیروزکوهی نگاشته شده است؛ با توجه به کاربرد آرایه‌ی ادبی تلمیح به بررسی تلمیحات به کار رفته در غزل‌های کریم امیری فیروزکوهی از شاعران معاصر زبان فارسی می‌پردازد. در این تحقیق نخست به معرفی و آشنایی با صنعت تلمیح پرداخته‌ایم و به ترتیب با معنی لغوی و اصطلاحی تلمیح آشنا شده‌ایم، سپس به سیر نظریه‌ی علمای بلاغی و ادیبان دورانهای مختلف تاریخ ادبیات فارسی نظری داشته‌ایم و در مقایسه متون بلاغی پیرامون صنعت تلمیح در شعر، نظریه‌پردازان بلاغی را به دو دسته‌ی متقدمین و متأخرین تقسیم کرده و با توجه به آراء آنان به این نتیجه رسیده‌ایم که در سالهای اخیر اهل ادب بر پایه‌ی تعاریف و شناختی که از دیر باز از تلمیح داشته‌اند، این آرایه‌ی ادبی را از نظر مصداقی توسعه داده‌اند و علاوه بر عناوین گذشته و سنتی تحت تعریف تلمیح، تلمیحات و مصداق‌های جدید دیگری نیز برای این صنعت قائل شده‌اند. همچنین در دنباله‌ی بحث خود به انواع مختلف تلمیح اشاره کرده و ضمن دسته‌بندی آنها از دیدگاه‌های گوناگون مصداق‌ها و شاهد مثالهای لازم را از بین آثار شعرای مشهور زبان فارسی استخراج و یادداشت کرده‌ایم تا بتوانیم با نظر به سابقه و تطور و تکامل آراء علمای بلاغی با دیدی بازتر و پیشینه‌ی مطالعاتی کاملی به تشخیص و دسته‌بندی تلمیح در غزلیات دیوان امیری فیروزکوهی بپردازیم. در بخش اصلی که مربوط به تشخیص و استخراج و دسته‌بندی تلمیحات موجود در غزلیات کریم امیری فیروزکوهی می‌باشد، ضمن جمع‌آوری تمامی تلمیحات وی، سعی شده است که بر طبق تقسیمات یاد شده در بخش آشنایی با انواع تلمیح، تمامی تلمیحات موجود در غزلیات مذکور طبقه‌بندی شده و سپس به روش مرسوم فرهنگ‌نویسی، تلمیحات و مراجع تلمیح به ترتیب بر اساس موضوع حروف الفبای فارسی ارائه گردد و در صورت لزوم تحلیل‌های کوتاهی نیز در پایان هر قسمت ارائه گردد و در صورت لزوم تحلیل‌های کوتاهی نیز در پایان هر قسمت گنجانده شود. که امیدواریم در این کار موفق بوده و توانسته باشیم با روش علمی فرهنگ تلمیحات در غزلیات امیری فیروزکوهی را جمع‌آوری کرده باشیم.

واژه‌های کلیدی: امیری فیروزکوهی، دیوان غزلیات، فرهنگ تلمیحات

## ۱- مقدمه

یکی از زیباترین آرایه‌های بدیعی که وجود آن در هر سروده‌ای موجب می‌شود که کلام از نظر هنری و ساختاری دارای ارزشی مضاعف گردد تلمیح می‌باشد، چرا که از یک سو باعث ایجاد در شعر می‌شود و از سوی دیگر ذهن خواننده را با داستان، فرهنگ یا منبع فرهنگی شناخته شده‌ای درگیر می‌کند و با این ویژگی به عمق مطلب مطرح شده در شعر می‌افزاید. به همین دلیل هر سروده‌ای که متضمن آرایه‌ی بدیعی تلمیح باشد در خواننده ایجاد رغبت و لذت بیشتری خواهد کرد تا با متن شعر ارتباط بهتری برقرار کند و ضمن فهم مطلب از آن نیز لذت ببرد. از این رو در طول تاریخ ادبیات در حوزه، بسیاری از شعرا از این آرایه‌ی زیبا استفاده کرده‌اند و به رعایت آن در سروده‌های خود همّت گمارده‌اند. به همین سبب نیز توجه به تلمیح و شناخت و تشخیص آن در آثار ادبی بخصوص شعر از اهمیت خاصی برخوردار است و ما نیز در این تحقیق در نظر داریم که در حد بضاعت به این آرایه‌ی بدیعی بپردازیم.

در آغاز بد نیست که با توضیحی برای روشن شدن موضوع و شناخت کلی در تشخیص صنعت بدیعی تلمیح اشاره‌ای کوتاه به تعریف این اصطلاح داشته باشیم تلمیح در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی با مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند، چنانکه سعدی می‌گوید:

گوش بینی و دست از ترنج‌شناسی  
روا بود که ملامت کنی زلیخا را

[آوردن نام زلیخا در این بیت] اشاره است به داستان زلیخا که زنان مصر او را در عشق یوسف ملامت می‌کردند، اما چون چشم ملامتگران به یوسف افتاد چنان خود را باختند و مضطرب شدند که به جای ترنج دست خود را بریدند (همایی، ۱۳۸۳: ۳۲۸) البته نکته‌ی مهم در تلمیح این است که در اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر تمام داستان یا شعر یا مثل گفته نشود چنان که گفته‌اند: [تلمیح] در اصطلاح علم بدیع اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر است به شرطی که آن اشاره - چنان که از معنای اشاره برمی‌آید - تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را در برنگیرد. (شمسیا، ۱۳۸۶: ۹) پس اصطلاح تلمیح نام یکی از آرایه‌های بدیعی است که طی آن در شعر از قصه، شعر، مثل سائر، آیه یا حدیثی به وسیله‌ی کلمه یا نامی به اشاره یاد می‌شود و موجب می‌گردد که خواننده با دیدن آن کلمه یا نام، ناخودآگاه به یاد مطلب مورد اشاره‌ی شعر بیافتد. البته درک تلمیح در شعر از سوی خواننده مستلزم آن است که وی با داستان یا مطلبی که شاعر به وسیله‌ی تلمیح به آن اشاره می‌کند آشنا باشد و از این منظر خواننده برای درک بیت یا عبارتی که حاوی تلمیح است می‌باید داستان یا شعر یا مثل سائر مورد اشاره را به تمامی بداند (همان: ۹) اکنون پس از آشنایی مختصر با مفهوم تلمیح به معنای لغت تلمیح می‌پردازیم.

## تعریف مساله و بیان سوال

تلمیح از عناصر جامع و شامل فکری و فرهنگی در آثار ادبی است هر شاعر و نویسنده به اقتضای سطح زمانی و فرهنگی خود از این عنصر در جهت بیان مساله و ایجاد ارتباط با خواننده (مخاطب) سود می‌برد. تلمیح برخاسته از غنای فکری و نشانگر جنبه‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی ذهن و زبان شاعر یا نویسنده است. کنکاش در آثار استاد امیری فیروزکوهی به مقصد برجسته‌سازی تلمیح و عناصر برجسته آن پژوهشی است که ضرورت آن احساس می‌شود.

۱. استاد امیری فیروزکوهی از عنصر تلمیح چگونه سود جسته است؟

۲. بسامد تلمیح در سخن امیری فیروزکوهی چه میزان است؟

۳. تأثیرپذیری شاعر از حیث تلمیح از شاعران کلاسیک چقدر بوده است؟

۴. آیا شاعر در استعمال تلمیح مبتکر بوده است؟

۵. بشیر عناصر تلمیح در سخن شاعر کدام است؟

**فرضیات تحقیق:**

۱. امیری فیروزکوهی شاعر سنت‌گرا است به همین خاطر باید در اشعارش از تلمیحات مختلفی استفاده کرده باشد.
۲. از آنجا که امیری فیروزکوهی با شعر نو میانه‌ای نداشته است باید با آرایه‌های تلمیح نیز به شیوه سنتی برخورد کرده باشد.
۳. امیری فیروزکوهی بخاطر علاقه که به ادبیات گذشته داشته است، باید در تلمیحاتش از شاعران گذشته و شعرهایشان در غزل‌هایش یاری جسته باشد.
۴. امیری فیروزکوهی از جمله شعرایی است که در کارنامه خود تحصیلات حوزوی داشته است. از این رو در تلمیحات خود بعید نیست به مطالب دینی اشاره کرده باشد.
۵. چون امیری فیروزکوهی با شاعران زمانه خود دوستی و حشرونشر داشته است بنظر می‌آید در تلمیحاتش با بسامد بالایی به آنها و اشعارشان اشاره کرده باشد.

**اهداف تحقیق:**

۱. آشنایی با سبک و سیاق شعر امیری فیروزکوهی و چگونگی استفاده تلمیح در شعر او.
۲. بررسی بسامد تلمیح در غزلیات امیری و بدست آوردن نتایج آماری در این باره.
۳. آشنایی با تلمیحات موجود در غزلیات امیری فیروزکوهی و مراجع آن.
۴. بررسی حدود و چگونگی پایبندی امیری فیروزکوهی به سنت‌های ادبی در دوران معاصر.

**روش کار**

در این پایان‌نامه ۳ فصل پیش‌بینی خواهد شد فصل اول مقدمات و کلیات و تعاریف، معنا و پیشینه لغوی و اصطلاحی تلمیح در آثار ادبای علوم بلاغی کاربرد آن از دیدگاه معاصران و متقدمین، کاربرد تلمیح در دیگر زبانها، رابطه تلمیح با سایر آرایه‌های ادبی و صنایع بیانی، انواع و مصادیق تلمیح، سبک شعری و زندگی‌نامه امیری فیروزکوهی خواهد پرداخته در فصل دوم که متن اصلی پایان‌نامه در آن قرار دارد به تلمیحات موجود در دیوان غزلیات امیری فیروزکوهی بر مبنای موضوعات استخراج شده بصورت الفبایی (براساس موضوع و نوع تلمیح) می‌پردازد. فصل سوم نیز به نتیجه‌گیری از مطالب عنوان شده در فصل اول و دوم اشاره خواهد داشت. با توجه به اینکه تلمیح در هر اثر ادبی نسبی و ذوقی می‌باشد نمی‌توان چهار چوب خاص و مشخصی را تعیین و آنرا به اشعار و دیوان شاعران دیگر تسری داد. لذا سعی می‌شود با تتبع در آثار ادبی متقدمین و معاصرین چهارچوب‌هایی در نظر گرفته شود و براساس همین چهارچوبها یا بررسی و کنکاو در اشعار امیری فیروزکوهی با لحاظ نمودن سبک و محتوی شعری، زندگی و شرایط سیاسی و اجتماعی، فرهنگی، باور و اعتقادات دینی، علم و آگاه به سایر علوم و سبک و آثار ادبی گذشته و همچنین اطلاع و شناخت به سرگذشت اشخاص و رجال بزرگ ایشان، تلمیحات را از دیوان امیری فیروزکوهی استخراج نمود.

**تلمیح از دیدگاه معاصران**

علمای بلاغی معاصر و صاحب نظران علوم ادبی در سال‌های اخیر به دو صورت مختلف به آرایه‌ی تلمیح توجه نموده‌اند، چنانکه برخی از این علما به تعاریف گذشتگان و امثله و محدوده‌ی اشارات تلمیح تاکید کرده‌اند و اعتقادی به افزایش موارد جدید در محدوده‌ی تعریف تلمیح نداشته‌اند در صورتی که بعضی از صاحب نظران متأخر معنای تلمیح را گسترش داده‌اند و دایره‌ی شمول آن را چنان وسیع کرده‌اند که اگر شاعری به فرهنگ عامه عقاید، آداب و رسوم، علوم قدیم و حتی تجربیات شخصی و خصوصی خویش هم اشاره کرده باشد از آن به‌عنوان تلمیح نام می‌برند. به‌همین دلیل امروزه فرهنگ‌های متعددی با موضوع تلمیح نوشته شده است که در آنها به‌عنوان مراجع تلمیح به آداب و رسوم و معتقدات قومی و داستان‌ها و حکایات و اسطوره‌ها و حتی ابزار و آلات موسیقی که امروزه متداول نیست اشاره شده و در مورد آنها توضیح و تفسیر داده شده است.

از این رو ما در این بخش از بحث خود صاحب نظران و علمای بلاغی متأخر را با توجه به نظریاتشان در مورد آرایه‌ی تلمیح به دو دسته تقسیم می‌کنیم: **گروه اول**: آن دسته از نظریه پردازانی هستند که تلمیح را از دیدگاه متقدمین و قدما مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند و **گروه دوم**: آنان که دایره‌ی شمول تلمیح را فراتر از آنچه قدما گفته و نوشته‌اند قبول دارند.

**۱- گروه اول**: بسیاری از اهل بلاغت تا پیش از آشنایی به ادبیات نوین و حتی ادبیات جهانی موكداً به عقاید گذشتگان اعتقاد داشته‌اند که ما از این بین به‌عنوان نمونه به کتاب "ابداع‌البدایع" از "حاج محمدحسین شمس‌المعالی گرگانی" اشاره می‌کنیم که در تعریف تلمیح می‌نویسد: «تلمیح آن است که متکلمین در نظم و نثر اشاره نمایند به قصه‌ای معروف یا مثلی مشهور به طوری که معنی مقصود را قوت دهد و گاه به شعری اشاره نمایند. «(ابدع‌البدایع: ۱۶۷ - ۱۷۰) می‌بینیم که در این تعریف هیچ تغییری نسبت به تعاریف گذشتگان وجود ندارد و حتی در شواهد مثال نیز به هیچ نکته‌ی جدیدی بر نمی‌خوریم چنانکه می‌خوانیم: «عمرابن‌الوردی می‌گوید: «قد قلتُ لما مریی مصرط یحکی القمر» و ادامه می‌دهد که «هذا ابولولوه منه خدواثار عمر» یعنی اشاره به قصه ابولولو که خلیفه ثانی را به قتل رسانید. (همان: ۱۶۷-۱۷۰) وی همچنین در ادامه از قول ابوالعلا گوید:

افق انما البدر المقنع رأسه      ضلال وغیٌ مثل بدر المقنع

اشاره به مقنع کاهن است که دعوت نبوت کرده، به شعبده شکل ماه ساخت که از چاهی برمی‌آورد و روشنی می‌داد. (همان: ۱۶۷-۱۷۰)

وی همچنین به اشعار حافظ نیز اشاره دارد و می‌نویسد:

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند      نه هر که آینه سازد سکندری داند

که اشاره به داستان اسکندر و آینه‌ی اوست (همان: ۱۶۷-۱۷۰)

چنان که مشاهده می‌گردد وی به همین صورت از دیگر شعرای عرب زبان و فارسی‌گو مثال‌هایی را ذکر می‌کند که اغلب این مثال‌ها تکراری است و به‌همین خاطر ما از آوردن آنها خودداری می‌کنیم.

جلال‌الدین همایی نیز هر چند علاوه بر داستان‌ها و مثل‌ها و اشعار مشهور، دایره‌ی شمول تلمیح را تا اشاره به آیات و احادیث نیز گسترش می‌دهد اما از آنجا که ایشان شارح اقوال و عقاید قدماست در دسته‌بندی ما از جمله علمای بلاغی گروه اول قرار می‌گیرند چنانکه در تعریف تلمیح گفته‌اند: «تلمیح یعنی به گوشه‌ی چشم اشاره کردن و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی، مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند (همایی، ۱۳۸۳: ۳۲۸) ایشان البته در آوردن شواهد مثال بیشتر به اشعار فارسی توجه دارند و برای نخستین شاهد خود شعر سعدی را می‌آورند که:

گوش بیینی و دست از ترنج نشناسی      روا بود که ملامت کنی زلیخارا

و سپس به شرح و توضیح لازم در مورد تلمیح می‌پردازند (همان: ۳۲۸). اما نکته‌ی مهم در مورد علامه همایی چنان که قبلاً اشاره کردیم جدا کردن تلمیح از سرقات ادبی است که حائز اهمیت است.

از دیگر صاحب نظرانی که در گروه اول تعریف ما جای می‌گیرند غلامحسین آهنی می‌باشند که در کتاب معانی بیان خود ضمن آوردن تلمیح در ردیف سراقت ادبی در مورد آن می‌نویسند: «تلمیح آن است که در اثنا سخن اشاره نمایند به داستانی، به شعری یا مثل سائری. (آهنی، ۱۳۵۷: ۲۷۳) وی همچنان برای شاهد مثال به اشعار عربی می‌پردازد و از ابی تمام بیٹی می‌آورد که گفته است:

لعمرو ومع الرمضاء والنار تلتظی      ارق و احضی منک فی ساعه‌الکرب

و می‌افزاید در واقع ابی تمام در شعر خود به شعری مشهور تلمیح کرده است که قبلاً هم در آثار متقدمین بارها بیان شده است. اما برای رعایت امانت دوباره ذکر می‌شود

المسـتـجـیر بـعـمـر و عـنـد کـر بـتـه کـالمـسـتـجـیر مـن الرـمـضـاء و لـنـار

(همان منبع: ۲۷۴)

در شاهد مثال تلمیح به مثل سائر از قول عمر بن کلثوم ثعلبی می‌آورد:

و مـن دـون ذلـک خـسـر طـفـتـاد و ضـرب و طـعـن بـفـر العـیـونـا

شاعر در شعر خود به مثل مشهور که «دونه خرط الفتاد» است در مصراع اول تمثیل جسته است (همان: ۲۷۴) و به همین ترتیب از ابیات شاعران عرب جهت توضیح و شاهد برای تعریف صنعت بدیعی تلمیح استفاده نموده است که عیناً نقل قول‌های قدما در این مورد است. (همان: ۲۷۴)

اما از دیگر صاحب نظرانی که تقریباً تغییری در تعریف تلمیح نداده‌اند رضوان شریعت است که در مورد تلمیح می‌گوید: «تلمیح در لغت به معنی گوشه‌ی چشم نگریستن است و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستان یا مثلی یا آیه و حدیثی اشاره کند (شریعت، ۱۳۷۰: ۶۵-۶۶) که می‌بینیم چیزی بر تعریف مرحوم همایی نیفزوده است. در کنار این صاحب نظران معاصر می‌توان از ابوالقاسم رادفر نیز نام برد که در کتاب فرهنگ بلاغی ادبی خود در ذیل تلمیح می‌نویسد «به فحوای کلام به مثلی سایر یا شعری نادر یا قصه‌ای مشهور اشارت کنند بی ذکر آن» و در ادامه می‌گوید: «که گوینده در نظم و یا نثر برای اثبات مطلب خود به آیه حدیث یا مثل یا قصه‌ای مشهور اشاره نماید.» (رادفر، ۱۳۶۸: ۴۲۱).

**۲- گروه دوم:** صاحب نظران متجدد که در معنا و مفهوم و شواهد مثال تلمیح قائل به توسعه و گستردگی بوده‌اند. یکی از این صاحب نظران نواندیش محمدحسین محمدی می‌باشد که در کتاب خود بعد از اشاره‌ی مفصلی به ریشه معنای تلمیح می‌گوید: ما در این کتاب دایره تلمیح را فراتر از آنچه ذکر شده در نظر گرفته‌ایم به این ترتیب که هر اشاره‌ای در شعر امروز را که ندانستن آن سبب در پرده ماندن مفهوم می‌شود، تلمیح به حساب می‌آوریم (محمدی، ۱۳۷۴: ۷-۹) و بدین ترتیب در واقع برای تعریف تلمیح مرزبندی مشخص قائل نمی‌شود و تقریباً تمام مطالبی را که در شعر به آن اشاره‌ای رفته است و خواننده برای دریافتن معنا و مفهوم شعر نیازمند آن است که به منبع اطلاعاتی مجزایی مراجعه کند را از جمله تلمیح در نظر گرفته است.

به غیر از محمد حسین محمدی، حسن انوشه نیز نظری جدیدتر از متقدمین درباره‌ی تلمیح دارد. وی در فرهنگنامه‌ی ادب فارسی که از جمله فرهنگنامه‌های جدید در حوزه‌ی ادبیات ماست وقتی به اصطلاح و آرایه‌ی تلمیح می‌رسد در مفهوم و تعریف این آرایه گستردگی جدیدی را قائل است و در این مورد عقیده دارد که تلمیح در لغت به معنی اشاره کردن و در اصطلاح بدین معنی اشاره به قصه، شعر یا به تعبیری اشاره به فرهنگ عامه و عقاید و آداب و رسوم و علوم قدیم نیز هست (انوشه، ۱۳۷۶: ۴۰۳) و بدین ترتیب دایره‌ی شمول تعریف تلمیح را به فرهنگ عامه و عقاید و آداب و رسوم و علوم قدیم که تا اندازه‌ای خوانندگان امروزی از آنها بی‌خبر هستند می‌کشد.

از دیگر صاحب نظران علوم بلاغی که در معنای تلمیح و مفهوم و مصداق آن قائل به توسعه و گسترش هستند سیما داد می‌باشند که در کتاب خود: «فرهنگ اصطلاحات ادبی» ذیل واژه‌ی تلمیح چنین آورده است: «تلمیح در لغت به معنی به گوشه‌ی چشم اشاره کردن، نگاه کردن، و نظر کردن است و در اصطلاح بدیع از جمله آرایه‌های درونی است که به موجب آن در خلال سخن به آیه‌ی شریفه و حدیث معروف یا داستان و واقعه یا مثل و شعری مشهور چنان اشاره شود که کلام با الفاظی اندک برمغانی بسیار دلالت کند. (داد، ۱۳۷۵: ۱۶۴) ایشان در ادامه به نظریات دانشمندان بلاغی غرب نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «منتقدان غربی با عنایت به موضوع تلمیح، چهار قسم برای آن در نظر گرفته‌اند: ۱- اشاره به اشخاص و حوادث ۲- اشاره به زندگی شخص یا نام خود گوینده و استتوها در فارسی ۳- تلمیح استعاری ۴- تلمیح تقلیدی (همان: ۱۶۴)

## جمع بندی در مورد انواع تلمیح

حقیقت موضوع این است که اگر بخواهیم با این شیوه به تقسیم بندی تلمیحات در ادبیات فارسی بخصوص شعر پردازیم انواع گوناگون بیشتری از تلمیح را می‌توانیم نام ببریم و گونه‌های مختلف آن را می‌توان به جزئی‌نگری بیشتری بخش بندی کرد و مثلاً گفت: تلمیح به قرآن اختصاصاً، تلمیح به حدیث و تلمیح به روایات و آنگاه تلمیح به احادیث شیعی، تلمیح به احادیث اهل سنت یا تلمیح به تفاسیر قرآنی تلمیح به اسرائیلیات یا اینکه در شاخه‌های دیگر تلمیح به ابزار جنگی تلمیح به ابزار تحریر، تلمیح به... که به نظر نمی‌آید این کار روشی پسندیده باشد مگر اینکه برای آن تعاریف خاص و چهار چوب‌های مشخصی قائل شویم و با اهل نظر و دانشمندان بلاغی به اجماع در این باره برسیم. با این همه باید اذعان داشت که اگر بخواهیم در مورد تلمیح به زبان و ادبیات فارسی به طور کلی صحبت کنیم و همه آثار موجود را برای یافتن تلمیحات بررسی کنیم ناگزیریم که به توسعه انواع تلمیح پردازیم و برای تلمیح‌های مختلف تعریف کاملی قائل شویم تا هیچ نکته و تلمیحی از قلم نیفتد. و همه موارد به عنوان مصادیق در تحقیق ما بیاید. اما اگر بخواهیم تنها به یک یا چند مجموعه شعر نگاه کنیم و به بررسی تلمیح در یک مجموعه پردازیم باید ببینیم که اثر مورد نظر ما تا چه اندازه و در چه مواردی تلمیح در خود دارد. یعنی باید توجه داشته باشیم که خالق اثر مورد نظر اصلاً چه مقدار تلمیح در کارهای خود آورده است. و پس از جمع‌آوری آنها، انواع تلمیحات را مشخص کرده و سپس به بررسی موضوع پردازیم. چنانکه ما در مورد تلمیحات امیری فیروز کوهی در دیوان غزلیاتش عمل کرده‌ایم.

و چنین است که بحث درباره‌ی تلمیح را در همین جا به پایان می‌بریم اگر چه می‌دانیم که می‌توان این بحث را گسترده‌تر و دامنه‌دارتر نمود اما آنچه که فعلاً برای ورود به مبحث اصلی ما که فرهنگ تلمیح در دیوان امیری فیروز کوهی است لازم بود به نظر می‌آید که بر آورده شده است و زمینه برای این کار فراهم است.

## انتخاب تخلص از دیدگاه امیری فیروز کوهی و ورود به دنیای شعر

داستان تخلص شعری امیری نیز جالب و ساده است، چنانکه خود تعریف می‌کند در چاپ غزلی که از او در مجله ارمنان آورده بودند، حروفچین به اشتباه «امیری» را «امیر» ثبت می‌کند و همین تغییر کوچک باعث می‌شود که وی از آن استقبال کرده و نام «امیر» را برای خود به عنوان تخلص برگزیند و بدین صورت وارد دنیای شعر و شاعری شود.

امیری فیروز کوهی پس از ورود به اداره ثبت و اسناد نیز در میان حلقه دوستان و بخصوص در همراهی با یکی از همکاران خود به نام عبدالحسین آگاهی دنبال شعر و سرودن را می‌گیرد و در همین دوران است که به واسطه همان دوست با مرحوم رهی معیری آشنا می‌شود و دوستی آنها آغاز می‌گردد. خود او ماجرا را چنین تعریف می‌کند که: «آگاهی گفت که در همسایگی ما جوانی منزل دارد که در بسیاری از جهات و صفات و ذوق و شعر و استعداد شریک تست. چه خوب است که شما دو نفر شبیه و نظیر، با هم رفیق و دوست شوید.» و به اتفاق یکدیگر در کار شعر و هنر به مدارج بالاتر و کامل‌تر برسید، این را گفت و پسر بچه‌ای که در خدمت داشت به سراغ آن جوان فرستاد، طولی نکشید که جوانی بلند بالا با صورتی بسیار جذاب و زیبا و هیبتی در کمال آراستگی از سر تا پا، به اتاق وارد و با آن خنده‌های مخصوص به خود (که اغلب از معاصران آن را شنیده و به یاد دارند) با من روبرو شد. همین که به یکدیگر معرفی و به ظاهر آشنای هم شدیم چنان می‌نمود که عمری در صحبت هم گذاشته و به سالها پیش از این با یکدیگر انس و الفت داشته‌ایم. این جوان محمد حسن رهی معیری بود که آن روزها به بیوک شهرت داشت و در شهرداری (بلدیه قدیم) دائرة صحیه (بهداشت) خدمت می‌نمود (فیروز کوهی، ۲۳).

دوستی و پیوند بین امیری و رهی روز به روز قوام یافته و ادامه پیدا می‌کند و باعث می‌شود که دو شاعر در بروز احساسات و روش و انتخاب راه شاعری با هم همراه گردند و در کنار هم به تتبع آثار قدما بخصوص صائب و سبکش پردازند و به شهرت برسند.

## نتیجه گیری:

معمولاً ادبا و شعرا برای آنکه مطلب و یا شعر آنان زیبا و هنری جلوه نماید سعی می‌کنند از آرایه‌های مختلف بدیعی استفاده کنند تا تأثیر آن بر خواننده یا شنونده مضاعف گردد بدیهی است تلمیح نیز به عنوان یکی از آرایه‌های بدیعی از این امر

مستثنی نمی‌باشد. یقیناً کاربرد تلمیح در یک اثر هنری نمایانگر اشراف صاحب اثر بر علوم و فنون مختلف زمان حال و گذشته است. و کاربرد آن در هر سروده‌ای در خواننده ایجاد رغبت و لذت بیشتری خواهد کرد تا با متن شعر ارتباط برقرار نموده، ضمن فهم مطلب از آن حظ کافی ببرد. تلمیح از ریشه لَمَح در لغت به معنای دیدن و نظر کردن، آشکار ساختن و به گوشه چشم نگریستن است و در اصطلاح، گوینده در ضمن کلام به داستان و شعر، حدیث و یا آیه‌ای اشاره کند که خواننده با آن اشاره پی به اصل موضوع و داستان ببرد. نگارنده سعی کرد پس از بیان نظرات مختلف در مورد معنای لغوی و اصطلاحی تلمیح، به بررسی تلمیح در آثار متقدمین بپردازد. تلمیح به عنوان یک آرایه‌ی بدیعی مستقل از قرن هفتم در ادبیات ما راه پیدا کرد و اولین بار در کتاب «مفتاح العلوم» سکاکی به زبان عربی و «المعجم» شمس قیس رازی به زبان فارسی بدان اشاره شده است. نظریه‌پردازان و علمای بلاغی متقدم دایره‌ی شمول تلمیح را محدود به شعر، داستان، مثل، آیه و حدیث می‌دانستند، حال آنکه در نظر علمای بلاغی متأخر دو دیدگاه در مورد تلمیح اشاره شده است: گروه اول آن دسته از نظریه‌پردازانی که حدود و شمول تلمیح را در همان مرز تعیین شده توسط متقدمین در نظر گرفته‌اند و در واقع پیرو دیدگاه قدما بوده و یا به قولی سنت‌گرا می‌باشند. که می‌توان از شمس‌العلمای گرگانی (ابدع البدایع)، جلال‌الدین همائی (فنون و صناعات ادبی)، غلامحسین آهنی (معانی و بیان)، رضوان شریعت (فرهنگ اصطلاحات ادبی)، ابوالقاسم رادفر (فرهنگ بلاغی فارسی) نام برد. و گروه دوم که در معنا و تعریف تلمیح قائل به توسعه بوده‌اند دایره شمول آن را از متقدمین فراتر می‌دانند که می‌توان از محمد حسین محمدی (فرهنگ تلمیحات شعر معاصر)، حسن انوشه (فرهنگنامه ادب فارسی)، سیما داد (فرهنگ اصطلاحات ادبی) و سیروس شمیسا (فرهنگ تلمیحات) نام برد.

سیروس شمیسا که با نگاهی نو و اندیشه تازه به این مقوله نظر داشته معنای تلمیح را از اشاره به داستان و شعر و مثل گسترش داده و آداب و رسوم، عقاید، فرهنگ عامه و علوم قدیم را نیز جزء قلمرو تلمیح دانسته است. با توجه به مطالب ارائه شده فوق می‌توان گفت درست است که از قرن هفتم هجری تلمیح مورد توجه قانون‌نویسان و ادیبان قرار گرفته و آنان را واداشت تا برای این آرایه بدیعی تعریفی مستقل ارائه نمایند اما باید این نکته را اشاره کرد که تلمیح از دیرباز بصورت کاربردی مورد استفاده شاعران و ادیبان قرار گرفته بود چنانکه این صنعت را با مطالعه در اشعار شاعرانی مانند دقیقی طوسی و رابعه قزداری بخوبی می‌توان مشاهده نمود.

پیدا کردن چهارچوب و نوع خاص و مشخصی برای تلمیح جهت تسری دادن آن به تمامی اشعار و دیوان شاعران به دلیل ذوقی و سلیقه‌ای بودن تلمیح و همچنین گستردگی آن امکان پذیر نمی‌باشد. نگارنده چهارچوب و انواعی را برای تلمیح در نظر گرفته که این مرزبندی فقط با توجه به برداشت ایشان از تتبع آثار قدما و متأخرین استنباط گردیده است که شاهد مثال این دسته بندی‌ها معمولاً در ادبیات ما مشهود است. نویسنده تلمیح را به یازده نوع تقسیم‌بندی نموده که برای هر یک شاهد مثال‌هایی نیز عنوان کرده است:

۱. آثار ادبی (دیوان شعر، داستان، ضرب‌المثل، کتب)

۲. جغرافیا

۳. رویدادهای تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اسطوره‌ای

۴. رجال یا اشخاص، که شناخته‌ترین و گسترده‌ترین نوع تلمیح است

۵. ابزار و اشیاء و ملزومات شغلی

۶. باورهای دینی

۷. زمانها و آداب و رسوم

۸. مظاهر طبیعت

۹. سخنان و گفتار (آیات قرآنی و احادیث و اخبار)

۱۰. علوم (موسیقی، طب، نجوم و...)

۱۱. مکانها و موجودات افسانه‌ای و اسطوره‌ای.

در اینجا لازم است چند نکته در مورد سبک شعری امیری فیروزکوهی مورد توجه قرار گیرد. از جمله اینکه امیری فیروزکوهی فردی است که به اکثر علوم زمانه خود اشراف داشته یقیناً به سایر سبک‌های ادبی نیز آگاهی داشته است. ایشان در دورانی که بحث و هیاهو در مورد شعر نو با ظهور افرادی چون نیما، فروغ و اخوان به اوج رسیده بود توانست با سنت‌گرایی، سبک هندی را دوباره زنده کند که در این راه یارانی چون رهی معیری با او همدل بودند. از مشخصات مهم سبک هندی در دیوان غزلیات وی می‌توان به استقلال مصرع و ابیات، و استفاده از ردیف در غزلیات نام برد. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت: ایشان شاعری است سنت‌گرا که در تلمیحات حرف جدیدی برای گفتن ندارد و در واقع تلمیحات اشاره شده در دیوان وی تلمیحاتی است که در آثار شاعران گذشته نیز موجود بوده است. با تتبع و بررسی تلمیحات در غزلیات امیری فیروزکوهی می‌توان هشت نوع، دسته‌بندی برای تلمیحات ایشان (بر مبنای موضوع، به صورت الفبایی) قائل شد که ما بر اساس میزان کاربرد تلمیح، به آن موضوعات به شرح ذیل اشاره می‌نماییم.

۱. **تلمیح به رجال:** بالاترین درصد تلمیح در دیوان غزلیات امیری را به خود اختصاص داده است که پیامبران در ردیف اول این عنوان قرار دارند.

**الف) پیامبران:** حضرت آدم (که خاک و گل و همچنین هبوط انسان نیز در ذیل آن اشاره شد) با سی‌وپنج بیت شعر بیشترین تلمیح را در دیوان امیری به خود اختصاص داده است. موضوعاتی که حول این سی‌وپنج بیت در مورد حضرت آدم، بدان اشاره شده، می‌توان به حوادث و مباحث مربوط به خلقت آدم، رانده شدن از بهشت، فریب خوردن از ابلیس و خوردن گندم ممنوعه نام برد.

حضرت خضر با بیست‌وسه بیت تلمیح بعد از حضرت آدم بیشترین تلمیح را در دیوان امیری دارا می‌باشد. که موضوع همگی آنها طول عمر و جاودانگی حضرت خضر می‌باشد جز یک مورد که به آب زندگی اشاره دارد که در واقع با فنا و گذرا بودن دنیا پارادوکسی بوجود آورده است. حضرت یوسف با هشت بیت بعد از حضرت آدم و خضر بیشترین بسامد تلمیح را دارد که به گم شدن، در چاه افتادن، زندانی شدن، فروختن حضرت و همچنین بوی پیراهن ایشان تلمیح دارد. جالب اینکه هیچ اشاره به داستان غنائی یوسف و ذلیخا نشده است. به حضرت سلیمان در پنج بیت به چهار موضوع جداگانه (بر باد سوار شدن حضرت، هدهد که سفیرش بود، دیوی که خاتمش را ربود، خاتمی که به نشانه پیامبری بر انگشت داشت) اشاره نموده است. در تلمیح به حضرت عیسی با پنج بیت به چهار موضوع اشاره دارد. دو مورد به بی‌پاداش بودن و آزار دیدن از خلق به جای همه خوبیها و مورد بعد به دم مسیحایی و شفا دادن بیماران و یک مورد به عروج به فلک چهارم اشاره دارد. حضرت نوح با چهار بیت به طول عمر اشاره دارد که پارادوکسی بین طول عمر نوح و گذرا و فانی بودن دنیا جهت تنبیه طبق سنتهای ادبی وجود دارد. در این دیوان به حضرت داوود، یعقوب، مریم، طور و ید بیضاء (حضرت موسی) نیز اشاره شده است. در مورد تلمیح پیامبران نکته حائز اهمیت و مهم اینکه هیچ اشاره و تلمیحی به حضرت محمد (ص) نشده است.

**ب) رجال تاریخی و اسطوره‌ای:** به پنج تن از رجال اشاره شده که سه تن پادشاه و دو تن از فاتحان ایران بودند. بیشترین تلمیح در این موضوع به جم تعلق دارد که با ذکر پنج بیت بیشتر به جام جمشید اشاره شده است. و در تلمیح به خسرو هیچ اشاره به داستان غنائی خسرو و شیرین نشده و فقط به دارائی خسرو بسنده شده است.

**ج) رجال صدر اسلام:** به دو تن از رجال صدر اسلام (ابولهب و ابو جهل) تلمیح زده شد.

**د) شعرا و مشاهیر:** که به بیست‌ودو تن مشاهیر و شعرا معاصر و متقدم اشاره شد. رهی معیری چهار بیت که از دوستان نزدیک امیری بوده و با ایشان حشر و نشر داشته است. سه تن دیگر از شعرای گذشته (صائب، نظیری، فیضی) جزء سراینندگان سبک هندی به شمار می‌آیند که صائب با دوازده بیت بیش از همه، مورد توجه بوده است. این نشانگر آن است که ایشان به صائب ارادت داشته و در امور نظری و راه و روش به وی متمایل بوده است. اقبال، بهزاد، پرتو، پژمان، پروین، جیب، حمیدی،



رعدی، سنا، سیاسی، شعله، صابر، قهرمان، گرمارودی، گویا، نظام، محقق لاهیجی، ورزی از شاعرانی هستند که امیری در غزلیاتش از آنان نام برد.

**ه) عشاق (شخصیت ادبی):** در هفت بیت به چهار تن از عشاق مشهور به نامهای مجنون و لیلی، و فرهاد و شیرین اشاره شده است.

**۲. تلمیح به باورهای دینی:** در دو بخش اسلامی و غیر اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. در باورهای اسلامی دوزخ با پانزده بیت بیشترین تلمیح را داشته که بر اساس سنت ادبی و حکمت عامه، دنیا و پیرامون آن و همچنین پیری را دوزخ می‌داند. بار امانت با هشت بیت اشاره دارد به اینکه باری است مضاعف بر مسائل و مشکلات دنیا که از عمل بشر خارج است. با آوردن ابلیس در هشت بیت، راه فراری برای خود قرار داده تا تمام اعمال و حرکات خود را جبر صرف جلوه دهد و اختیار را از خود ساقط کند. در بحث باورهای دینی به آخرت، برزخ، جن، جنت، جهنم، حشر، حور، رضوان، روز حساب، سعی، طوف، عقبی، قیامت، محشر، میقات، بی‌جرعه آب کشتن نیز تلمیح داشته است. در باورهای غیر دینی نیز به چهار مورد اهرمن، برهمن، زندخوان و فرشته اشاره نموده است.

**۳. آثار ادبی:** در این بخش در حوزه اشعار شاعران گرچه نشان داد که علاقمند به سبک و روش صائب است ولی با اشاره به دوازده بیت حافظ اعلام می‌کند که بیش از هر کسی به شعر و مضامین شعری حافظ توجه دارد همچنین به شش بیت از سعدی، یک بیت از باباطاهر عریان، یک بیت از علامه طباطبائی و یک بیت از صائب نیز اشاره شده است. در ضرب المثل به هفت ضرب‌المثل (آسیا به نوبت، چوب دو سر طلا، جوینده یابنده، هفت آسمان ستاره ای ندارد، کار دیو وارونه است، عشق و پیری، گنج و ویرانه) اشاره داشته که در این حوزه کار دیو وارونه است با پنج بیت، عشق و پیری با چهار بیت به ترتیب بسامد بالایی داشته‌اند. در بخش کتب در سه بیت به سه کتاب قانون، گلستان، مطول اشاره شده است.

**۴. سخنان و گفتار:** در دو بخش آیات قرآنی با یازده بیت که به هشت آیه از آیات قرآنی اشاره شده و در احادیث و اخبار با آوردن سه بیت به سه حدیث تلمیحی داشته است.

**۵. علوم:** علومی که امیری فیروزکوهی بدان اشاره نموده جزء علوم روز نبوده بلکه از علوم قدیمند که در چهار دسته کیمیاگری یک بیت، طب دو بیت، نجوم (نه فلک، شش بیت، انقلاب و اعتدال دو بیت) و موسیقی یک بیت اشاره دارد.

**۶. جغرافیا:** به شش مورد تلمیح دارد (خراسان، اصفهان، نیشابور، ختن، بدخشان، طهران) در مورد خراسان با آوردن چهار بیت شعر می‌خواهد از یاران و شاعران معاصر خود در آن دیار و شاید هم به تمسک جویی از امام رضا (ع) برای دفع مشکلات و گرفتاری خود اشاره داشته باشد.

**۷. موجودات و مکانهای اسطوره‌ای و افسانه‌ای:** (سیمرغ، عنقا، هما، پری، قاف) که به پری، عنقا، قاف و سیمرغ یکبار و هما چهار بار تلمیح داشته است.

**۸. آداب و رسوم:** با بیان دو بیت به دو مورد از آداب و رسوم ایران قدیم اشاره دارد.

با بررسی و تتبع در مطالب ذکر شده در مورد امیری فیروزکوهی با توجه به اعتقادات مذهبی ایشان از پیامبران، باورهای اسلامی، آیات قرآنی و همچنین احادیث بیش از تلمیحات دیگر سود جسته است. و همچنین علاقه ایشان به شعر و آثار ادبی و آشنایی او با سبک‌های مختلف شعری، از شاعران سبک هندی چون صائب و نظیری و در سبک عراقی از شاعرانی چون حافظ بهره‌مند گردیده و از شاعران معاصر خویش نیز در اشعارش یاد نموده است. و بدین ترتیب می‌توان گفت بیشترین تلمیحات به ترتیب در حوزه رجال و اشخاص، باورهای دینی، آثار ادبی، سخنان و گفتار، علوم، جغرافیا، موجودات و مکانهای اسطوره‌ای و افسانه‌ای و آداب و رسوم وجود دارد. و به بیان دیگر بصورت آماری رجال و اشخاص ۴۴٪، باورهای دینی ۲٪، آثار ادبی ۱۳٪، سخنان و گفتار ۹٪، علوم ۵/۵٪، جغرافیا ۴/۵٪، مکانها و موجودات اسطوره‌ای ۳/۵٪، و آداب و رسوم ۰/۵٪، از تلمیحات دیوان غزلیات امیری فیروزکوهی می‌توان ارائه نمود.

## منابع و مأخذ

۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۳، امثال و حکم، انتشارات امیرکبیر، جلد ۴، ۳، ۲، ۱.
۲. صفاء ذبیح الله، ۱۳۸۱، گنج و گنجینه، تلخیص دکتر سید محمد ترابی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوس.
۳. برقی، سید محمد باقر، ۱۳۷۳، سخنوران نامی معاصر ایران، چاپ اول، نشر خرم، جلد ۵، ۴، ۳، ۲، ۱.
۴. وطواط، رشیدالدین محمد عمری کاتب بلخی، ۱۳۶۲، حدائق السحر فی دقائق الشعر، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، انتشارات کتابخانه ظهوری، انتشارات کتابخانه سنائی .
۵. شمیسا، سرویس، ۱۳۸۶، فرهنگ تلمیحات، چاپ دوم، انتشارات فردوس .
۶. شمیسا، سرویس، ۱۳۷۰، بدیع، چاپ سوم، دانشگاه پیام نور .
۷. شمیسا، سرویس، ۱۳۷۴، معانی و بیان ۲، چاپ پنجم، تهران، دانشگاه پیام نور .
۸. شمیسا، سرویس، ۱۳۸۱، بیان، چاپ پنجم، تهران، انتشارات فردوس .
۹. شمیسا، سرویس، ۱۳۷۴، نگاهی تازه به بدیع، تهران، انتشارات فردوس، انتشارات دیدگاه .
۱۰. آهنی، غلامحسین، ۱۳۵۷، معانی و بیان، انتشارات مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی .
۱۱. شمس العلمای گرگانی، حاج محمد حسین، ۱۳۷۷، ابداع البدایع، به اهتمام حسین جعفری، با مقدمه جلیل تجلیل، چاپ اول، انتشارات تبریز .
۱۲. عرفانی، حسن، ۱۳۸۳، ترجمه و شرح جواهر البلاغه، چاپ چهارم، قم، انتشارات بلاغت، جلد دوم .
۱۳. شریعت، رضوان، ۱۳۷۰، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ اول، انتشارات هیرمند .
۱۴. رادفر، ابوالقاسم، ۱۳۶۸، فرهنگنامه بلاغی ادبی، چاپ اول، انتشارات اطلاعات .
۱۵. پورنامداریان، تقی، ۱۳۸۵، داستان پیامبران در کلیات شمس، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد اول .
۱۶. نیشابوری، ابواسحاق، ۱۳۸۶، قصص الانبیاء، به اهتمام حبیب یغمائی، چاپ پنجم، انتشارات علمی و فرهنگی .
۱۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۸، صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه .
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۸، تفسیر نمونه، به همراه چندی از دانشمندان، انتشارات پیام امروز، جلد ۲۷، ۲۵، ۲۰، ۱۹، ۱۷، ۱۳، ۱۲، ۱۰ .
۱۹. حسینی سیستانی، سیدعلی، ۱۳۷۲، توضیح المسائل، نشر آفتاب هشتم .
۲۰. صفاء ذبیح الله، ۱۳۸۰، گنج سخن، انتشارات گفتار با همکاری نشر علم، ج ۲، ۱.
۲۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۲، تازیانه‌های سلوک، نشر آگاه .
۲۲. امیری فیروزکوهی، کریم، ۱۳۶۹، دیوان غزلیات، بکوشش بانو امیری فیروزکوهی (مصفا)، چاپ دوم، انتشارات سخن.
۲۳. الهاشی، احمد، ۱۳۸۳، جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع، چاپ پنجم، قم، نشر واریان .
۲۴. نجف قلی، میرزا، ۱۳۶۲، دره نجفی، به تصحیح حسین آهی، نشر فروغی.
۲۵. هدایت، رضا قلی خان، ۱۳۸۳، مدراج البلاغه، انتشارات فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی .
۲۶. قیس رازی، شمس‌الدین محمد، ۱۳۷۳، المعجم فی معاییر اشعار العجم، به کوشش سیروس شمیسا، چاپ اول، انتشارات فردوس .
۲۷. السکاکی، امام ابن یعقوب یوسف ابن ابی بکر محمد ابن علی، الطبعة الاول، چاپ مصر
۲۸. رادویانی، محمد بن عمر، ۱۳۸۰، ترجمان البلاغه، تصحیح احمد آتش، به کوشش ه سبجانی و اسماعیل حاکمی، انتشارات انجمن مفاخر فرهنگی.

۲۹. گودن، ج.آ، ۱۳۶۴، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ اول، انتشارات نیما.
۳۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۲۴-۱۳۵۹، لغت نامه، زیر نظر محمد معین، سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران .
۳۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۲۴-۱۳۴۷
۳۲. داد، سیما، ۱۳۷۵، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ دوم، انتشارات مروارید.
۳۳. انوشه، حسن، ۱۳۷۶، فرهنگنامه ادبی فارسی، چاپ دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، جلد دوم .
۳۴. واعظ کاشفی، کمال الدین حسین، ۱۳۶۹، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، ویراسته و گزارده میر جلال الدین کزازی، چاپ اول، انتشارات نشر مرکز.
۳۵. محمدی، محمد حسین، ۱۳۷۴، فرهنگ تلمیحات شعر معاصر، چاپ اول، انتشارات میترا.
۳۶. همانی، جلال الدین، ۱۳۸۳، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ ۲۲، انتشارات نشر هما.